

صهیونیست ها و کشتن پیامبران

اگر چه واژه ی صهیونیسم برگرفته از نام کوهی است که در قدس شریف قرار دارد و در گذشته نه چندان دور تلاش هایی صورت گرفت تا نام صهیون نخست به بیت المقدس و سپس به سر تا سر فلسطین اطلاق گردد و بعداً نیز به یک جنبش سیاسی که هدف آن تحقق اندیشه سیاسی بر پایی دولت مستقلی برای یهودیان تبدیل شد و به گفته ی تئودور هرتسل در اولین کنگره یهود که در سال ۱۸۹۷ میلادی برگزار شده بود "صهیونیسم را در واقع حرکت ملت یهود برای رسیدن به فلسطین دانسته بود . و قبل از او نیز "ناتان پیرنیوم " این واژه را بکار برده بود .اما برخی بر این باورند که نوع حرکت و تلاش این گروه ، با آن دسته از یهودیانی که در طول تاریخ به قتل و جنایت و زیر پا گذاشتن فرامین حضرت موسی (ع) پرداخته و همواره در مورد سرزنش انبیاء زمان خود موضع گرفته و اقدامات غیرانسانی انجام می داده اند، یکسان بوده است و لذا شاید تا قبل از سال ۱۸۹۰ که "پیرنیوم" و پس از آن "هرتزل" واژه ی صهیونیسم را بکار بردند ، نمی توانستیم واژه ی مناسبی برای آن بیابیم ، چرا که معتقدیم بین یهودیان موحد و خداپرست و طایفه قاتل و غاصب و جنایتکار این قوم تفاوتها یی اساسی وجود دارد .

اما امروزه واژه ی صهیونیسم کار همه آنانی که قصد تفکیک ، یهودیان خداپرست از بخش ملعون این قوم را دارند را آسان تر کرده است ، بدیهی است با خواندن این نوشتار هر جا به مواردی از کتاب انجیل بر می خوریم که یهودیان مورد نکوهش و سرزنش انبیاء قرار گرفته اند ، ما هم ترجیح می دهیم در خصوص ایشان "واژه ی صهیونیسم" را بکار ببریم .

به هر تقدیر علاوه بر تمامی انبیاء بنی اسرائیل که همواره مورد آزار و اذیت صهیونیست ها قرار گرفته و در برخی موارد بی رحمانه به شهادت رسیده اند، حضرت عیسی (ع) نیز بسیار مورد آزار و اذیت صهیونیست ها قرار گرفتند که در نهایت در قالب توطئه ای اقدام به قتل آن پیامبر بزرگوار الهی نمودند ، ما در این نوشتار در صدد بیان گوشه هایی از آیاتی از اناجیل هستیم که به بیان نقش صهیونیست ها و اقدام آنان برای کشتن پیامبران می پردازد.

که با توجه به این آیات به گوشه ای از عقاید حضرت عیسی (ع) در مورد این طایفه نیز واقف می شویم ، به عنوان نمونه حضرت عیسی (ع) خطاب به اورشلیم چنین می فرماید : "ای اورشلیم ای شهری که پیامبران را کشتی و رسولان خدا را سنگسار کردی و.....

این را نیز به شما بگویم که دیگر مرا نخواهید دید تا وقتی که آماده باشید کسی را که خدا برای شما می فرستد بپذیرید "

و در جای دیگر خطاب به بزرگان صهیونیسم چنین می فرماید: "وای به حالتان ای علمای دینی و فریسیان ریاکار! برای شما پیامبران که اجدادتان کشتند، با دست خود بنای یادبود می سازید و قبر مقدسین را که به دست آنان کشته شدند، تزیین می کنید و می گوئید: اگر ما بجای اجدادمان بودیم، پیامبران را نمی کشتیم، اما با این گفته به زبان خود اعلام می دارید که فرزندان قاتلان انبیاء هستید شما قدم به قدم از آنان پیروی می کنید و بدین سان حضرت عیسی (ع) نیز جریان کشتن انبیاء توسط صهیونیست ها را یک جریان تاریخی می داند که نسل به نسل، از پدران به فرزندان منتقل شده است و مجازات این اعمال جنایتکارانه را نیز آتش جهنم می داند و حتی در جایی از سخنان خود خطاب به صهیونیست ها آنان را عامل قتل و آواره گی و ضرب و شتم نه تنها انبیاء الهی که مردان حکیم الهی می داند و می فرماید: "من، انبیاء و مردان حکیم و روحانی را بسوی شما می فرستم و شما بعضی را به دار خواهید کشید و بعضی را در عبادتگاههای خود زیر ضربه های شلاق گرفته، شهر به شهر آواره خواهید کرد". البته این گفته، بسیار شبیه آیه ای در قرآن است که می فرماید "کسانی که پیامبران و مردان حکیم الهی را به ناحق می کشتند به عذاب جهنم بشارت بدهید"

آنقدر بحث در این زمینه زیباست که خود آیات انجیل کفایت می کند، و لازم به توضیحی در این خصوص نیست، حضرت عیسی (ع) به غیر از کشتن انبیاء و مردان بزرگ روحانی، از جنایات دیگر صهیونیست ها که در قالب تهمت زدن و آزار رساندن به انبیاء می باشد نیز پرده بر می دارد و خطاب به حواریون می فرماید: "هر گاه بخاطر من شما را ناسزا گفته، آزار رسانند و به شما تهمت زنند، شاد باشید و.... بدانید که با پیامبران گذشته نیز چنین کردند"

از جمله اهانت هایی که به پیامبران شده است تهمت دیوانگی است که در انجیل نیز به آن اشاره شده است، حضرت عیسی (ع) خطاب به قوم صهیونیست می فرماید: "درباره یحیی که لب به شراب نمی زد و اغلب روزه دار بود می گوئید: دیوانه است". اقدام به قتل حضرت عیسی (ع) که به کرات اتفاق افتاد نیز از جمله اموری است که در انجیل به آن نیز پرداخته و قساوت قلب صهیونیست ها را در قالب کلماتی چنین بیان می کند: "فریسی ها گرد آمدند و توطئه چیدند تا عیسی را بگیرند و بکشند، اما عیسی از نقشه آنان با خبر بود"

البته بخشی از جنایاتی که صهیونیست ها در حق حواریون و حضرت عیسی روا می داشتند، از آنجا نشات می گرفت که اصولاً آنان نمی خواستند باور کنند که پیش بینی های انبیاء گذشته که مسیح (ع) خواهد آمد با تولد حضرت عیسی (ع) تحقق یافته است؟ و لذا هنوز هم بر این باورند که عیسی بن مریم (ع) همان مسیح موعود نیست و بنابراین ریختن خون او مباح بوده است،

آنان حتی چنین برخوردی را با پیامبر اسلام داشتند و گویا خط اهانت به پیامبران و آزار آنان و در نهایت به شهادت رساندن آنان، به نوعی پس از ایشان نیز بایستی در قالب کتاب های آیات شیطانی و کاریکاتورها که پیامبر بزرگوار اسلام را مورد حمله قرار می دادند و یا فیلم "آخرین وسوسه های مسیح" همه آبشخور یک جریان منفورفکری تاریخی هستند.

صهیونیست ها ی جنایتکار، اگر در زمان حضور حضرت مسیح (ع) او را ناجوانمردانه شیطان می نامیدند، چگونه باید انتظار داشت که در غیاب او به اسم آزادی بیان به پیامبران بزرگوار خداوند اهانت نکنند؟ شاید بهترین جمله ای که می توان در خصوص این قوم ستمگر عنوان نمود، همانی باشد که حضرت عیسی (ع) از قول اشعیای نبی (ع) می فرماید: "ایشان می شنوند ولی نمی فهمند، نگاه می کنند ولی نمی بینند، زیرا فکر ایشان از کار افتاده، گوشه هایشان سنگین شده و چشمه هایشان بسته شده است و چقدر زیبا این جملات با آیه شریفه ی قرآن تطبیق و همخوانی دارد که "اینان کردند، کورند و نادانند و بسوی خدا باز نمی گردند." البته در دیگر اناجیل (لوقا، یوحنا، مرقس) پیروان حضرت مسیح (ع) مورد تهمت ها و آزارها و در نهایت شهادت که از جانب صهیونیست ها در حق مسیحیان مومن و شخص حضرت مسیح (ع) به کرات بیان شده است که بدلیل شباهت های فراوان از ذکر آنان صرف نظر گردید و فقط "انجیل متی" مورد بررسی قرار گرفت. در پایان ذکر یک نکته ضروری و مهم است و آن اینکه در تورات نیز از جنایات صهیونیست ها در حق قوم مومن بنی اسرائیل و پیامبران عظیم الشان الهی به وفور مواردی ذکر شده و اشاراتی به میان آمده است و در یک کلمه می توان گفت که صهیونیسم، دشمن تمامی مومنین، اعم از مسیحی و یهودی و مسلمان بوده و اهانت به یک پیامبر هم در حکم اهانت به تمامی انبیاء محسوب می شود و طراحان و سازندگان برنامه هایی که به اهانت به ساحت مقدس پیامبر اسلام منجر شد، همه از یک جریان پلید و جنایتکار در تاریخ به نام صهیونیسم ریشه می گیرد و لذا مسلمانان اقدام زشت روزنامه های غربی را به حساب مسیحیان اروپا نمی گذارند، و صهیونیسم را در توطئه دیگر خود که جبهه بندی میان مسلمانان و مسیحیان و در نهایت راه اندازی جنگ صلیبی دیگری است نا کام خواهند گذاشت، چرا که همه با هم به یک خدا و به یک مبدء و معاد ایمان داشته و همگی منتظر ظهور حضرت مسیح (ع) بوده و مسلمانان قرار گرفتن آن پیامبر بزرگ الهی را در کنار حضرت مهدی (عج) نشان از وحدت و همدلی پیروان آئین های الهی در مقابل جبهه متحد کفر و استکبار دارد. و اگر در آینده بنا باشد جنگی ناخواسته در جهان روی دهد، این بار نه جنگ میان مسیحیان و مسلمانان که جنگ میان مومنین به خداوند و مستضعفین جهان از یک سو و استکبار جهانی به سرکردگی غرب سکولار از سوی دیگر خواهد بود.